

بررسی نگاره طبیعت در دوره هرات و تاثیر پذیری آن از نگاره های چین

نیر طه‌وری^۱، زهره جمشیدی^۲

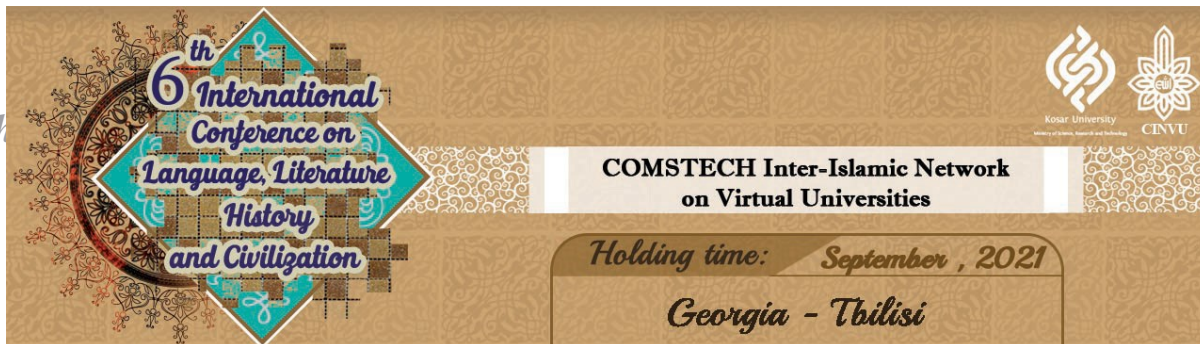
۱- نویسنده مسئول

۲- دانشجو

چکیده:

طبیعت در نگارگری ایرانی سبکی مشخص ندارد؛ اما به هر حال طبیعت و منظره پردازی بی اهمیت نبوده و در بسیاری از نگاره‌ها طبیعت مورد توجه قرار گرفته است. همانگونه که نگارگری در دوره‌ها و مکاتب مختلف دچار دگرگونی شده، منظره پردازی نیز در دوره‌های مختلف به دلایل مختلف در فرم‌های مختلفی ترسیم شده است. عصر تیموری دوره ای از تاریخ ایران است که در آن هنر به شکوفایی بی سابقه‌ای دست یافت و حمایت هنری در این دوره تاثیر بسیاری در تکوین و انسجام پایه‌های هنر و پدید آمدن سبک‌های هنری از جمله مکتب هرات داشت. داد و ستد تجاری و رفت کاروان‌ها بین ایران و چین عامل برقراری ارتباط میان نگارگری ایرانی و نقاشی چینی شد که به نظر می‌رسد که نقاشی ایران را متحول کرد. بی شک مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان دو کشور در روند شکل‌گیری نگارگری ایرانی به معنای دقیق کلمه تأثیر مهمی داشت؛ خاصه آنکه نگارگری ایرانی دوران اوج خود را بین اواخر عصر تیموریان ایران تا اواخر صفویه گذراند. در این پژوهش به بررسی نگاره طبیعت در دوره تیموری خصوصاً دوره هرات پرداخته و تاثیر گذاری نقاشی‌های چینی را بر نحوه نگارگری طبیعت در دوره مذکور بررسی می‌کنیم.

واژگان کلیدی: نگاره طبیعت، نگارگری دوره چین، نگارگری دوره هرات، نگارگری دوره تیموری



اهداف تحقیق:

- ۱- سبک نگارگری طبیعت در دوره هرات چگونه است؟
- ۲- تأثیر نگارگری چین بر نگارگری دوره هرات چگونه بوده است؟

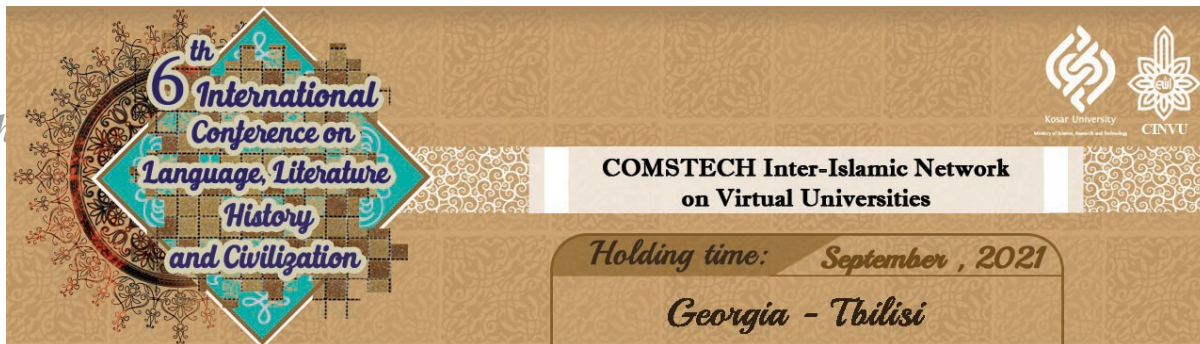
مقدمه:

تیمور با آوردن صنعتگران از سرزمین های مختلف فتح شده به پایتخت خود در سامرقند، یکی از درخشان ترین دوره ها را در هنر اسلامی آغاز کرد. هنر و معماری تیموری الهام بخش سرزمین های گسترده از آناتولی تا هند بود. اگرچه امپراتوری گسترده تیمور خود مدت کوتاهی داشت، فرزندان او همچنان به عنوان حامیان برجسته هنر اسلامی بر ماورالنهر حکومت می کردند. با حمایت از آنها، جهان اسلام شرقی با داشتن هرات، پایتخت جدید تیموریان، به عنوان یک مرکز مهم فرهنگی، به یک مرکز فرهنگی برجسته تبدیل شد. حاکمان تیموری دلسوز فرهنگ ایرانی بودند و هنرمندان، معماران و مردانی را که می توانستند به فرهنگ دربار عالی آنها کمک کنند، مورد توجه قرار می دادند (یلمان، ۲۰۰۰).

توجه ویژه به طبیعت توسط برخی هنرمندان باعث شکل گیری سبک هایی شد که در آن هنرمندان متعهد به ترسیم طبیعت بدون گزینش بودند. حضور مناظر طبیعی در هنر به این سبک خلاصه نمی شود. بررسی آثار هنرمندان در دوره های مختلف نشان دهنده این است که طبیعت همواره یکی از سوژه های مورد نظر هنرمندان بوده است و آنها مناظر طبیعی را به صورت های مختلف، بر اساس نوع نگاه خود بر طبیعت، ترسیم کرده اند این تفاوت ها در ترسیم مناظر طبیعی در هنر اسلامی نیز یافت می شود. در واقع هنرمندان مسلمان نیز با توجه به نوع فرهنگ غالب در هر منطقه و دوره مناظر طبیعی را به صورت های مختلفی ترسیم کرده اند. این مسئله شامل نگارگری طبیعت در دوره هرات نیز می شود. همچنین با توجه به این که در این دوره نگارگری ایرانی تحت تاثیر نقاشی چینی بوده و یکی از عناصر اصلی نقاشی چین طبیعت بوده است بنابراین نگارگری دوره هرات نیز تحت تاثیر نحوه نقاشی چینی از طبیعت بوده است.

پیشینه تحقیق:

- در مقاله تجلی باغسازی ایرانی در نگارگری مکتب هرات نوشته محمد رضا بمانیان و مریم علی گل زاده، ۱۳۹۳، به بررسی عناصر باغسازی دوره تیموریان با تکیه بر نگارگری دوره هرات پرداخته شده و باغ تیموری بر اساس توصیفات غنی ناشی از سفرنامه های دوره تیموری مورد بررسی قرار گرفته است.
- در مقاله رابطه انسان و طبیعت در مکتب هرات نوشته ویدا قاسمی، نگاره های شیخ صنعان مورد بررسی قرار گرفته و چگونگی نماد پردازی در مکتب هرات بررسی شده است.



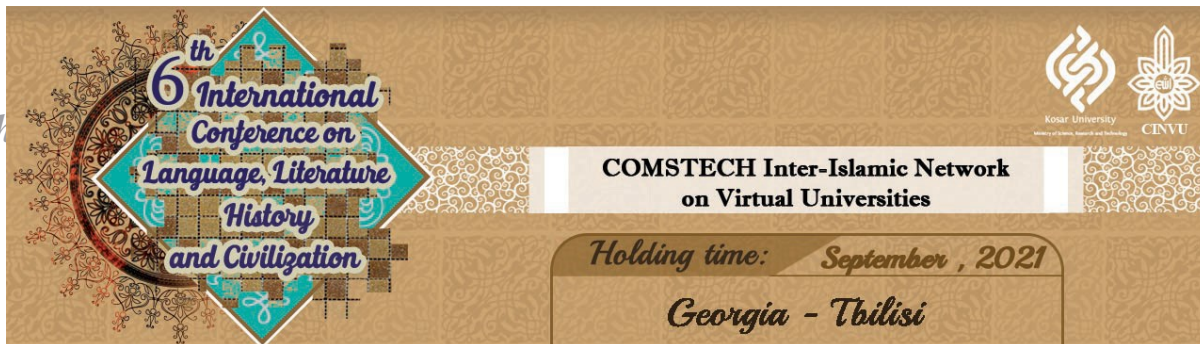
دوره تیموری:

تیمور که جانشین ایلخانان مغول گردید شهر تبریز را در سال ۷۸۸ هجری و شهر بغداد را در سال ۸۰۴ هجری فتح نمود. مانند فتح مغول فتح تیمور با خرابی و ویرانی بسیار همراه بود. لیکن از منابع ادبی چنین مستفاد می‌گردد که در زمان تیمور هنرمندان و صنعتگران شهرهای تسخیر شده به سمرقند برده شدند و معماری و هنر در آن جا تشویق و ترغیب شد، در این شهر و مخصوصاً در زمان جانشینان تیمور مینیاتور سازی در هرات به منتهی درجه ترقی خود رسید، ولی هیچ گونه کتاب خطی وجود ندارد که بتوان به مکتب سمرقند این دوره نسبت داد. تا سال ۸۰۲ ه. ق. تیمور تمام ایران، قسمت‌هایی از آسیای صغیر، عراق، هندوستان تا شهر دهلی و تا ۲۰۰ مایلی مسکو را به زیر سلطه خود در آورده بود. اشتهای کشورگشایی تیمور حتی در کهنسالی نیز سیری ناپذیر بود و مرگ وی در اترار به سال ۸۰۶ ه. ق. زمانی رخ داد که به قصد فتح چین، عازم آن دیار بود. در خاورمیانه فقط سرزمین‌های تحت سلطه سلاطین مملوک، فرمانروایان مصر و سوریه، از تاخت و تاز وی در امان بودند. هر چند بسیاری از سازمان‌های نظامی و شیوه‌های کشورگشایی تیمور برگرفته از شیوه تهاجمات نظامی مغولان بود ولی با هنر، برخورد دیگری داشت (بازیل گری، ۱۳۶۹).

از زمان تیمور چندین نسخه کتاب با تصاویر خیلی عالی باقی مانده که در سایر مراکز از قبیل شیراز و بغداد نوشته شده است، از جمله سه نسخه شاهنامه متعلق به مکتب شیراز که در موزه بریتانیا، کتابخانه و سلطنتی مصر در قاهره و کتابخانه موزه توپکایی در استانبول نگهداری می‌شود، از آن جایی که مینیاتورهای این نسخه واجد بسیاری از خصایص اسلوب تیموری است که بعداً در هرات نمو کرد، بعضی معتقدند که مرکز و مهد مکتب نقاشی تیموری شیراز بوده است.

زمانی که تیمور از دنیا رفت، اگر چه نوه‌اش پیر محمد بن جهانگیر را به عنوان جانشین خود انتخاب کرده بود، ولی تکلیف سلطنت چندان روشن نبود. نواده دیگرش خلیل سلطان، بلافاصله با پیر محمد بن جهانگیر به مبارزه برخاست و در سمرقند خود را سلطان خواند. در همین ایام، شاهرخ، تنها پسر در قید حیات تیمور، نیروهایش را در ناحیه تحت فرمانروایی خود یعنی خراسان تقویت کرد و بخشی از گرگان و مازندران را به زیر سلطه خود در آورد. توانایی رزمی و سیاسی وی تا سال ۸۱۱ ه. به میزانی بود که توانست ترکستان را تسخیر کرده و به سادگی خلیل سلطان را شکست دهد و بر سمرقند مسلط شود. شاهرخ به جای اینکه در پایتخت تیمور مستقر شود به شهر محل استقرارش، هرات، مراجعت و پسرش الغ بیگ را به حکومت سمرقند منصوب کرد. شاهرخ که گرایش‌های اسلامی داشت با کمک عناصر ایرانی حاکم تیموریان شد و پایتخت خود را از سمرقند به هرات منتقل کرد. هرات که در گذشته کانون تمدن شهری اسلامی بود بر تیموریان تأثیر بسزایی گذاشت و باعث شد روحیه اسلامی در میان آنها رشد کند تا حدی که شاید بتوان گفت حمایت بی دریغ شاهرخ از کتابت نسخه‌های مذهبی اسلامی در مکتب هرات به همین جهت باشد (بنوال، ۱۳۵۹).

شاهرخ که فاقد نبوغ کشورگشایی تیمور بود، در نخستین دهه سلطنت خود تنها قادر بود تا بخش‌های مرکزی قلمرو تیموری را زیر سلطه خود داشته باشد. در دوره وی، تبریز و آناتولی توسط ترکمانان از سلطه تیموریان خارج شد و تا سال ۸۳۳ ه. شاهرخ و پسرانش تنها در خراسان، ترکستان و فارس به قدر کافی قدرت یافتند تا تجدید حیات فرهنگی وسیعی



را سامان بخشند. دیوان‌هایی که برای دربار شاهرخ نگاشته شده‌اند در بردارنده جاه طلبی درباری وی به همراه جهان بینی اسلامی ایرانی، در تقابل با سنت ترکی - مغولی تیمور و آسیای میانه است (آژند، ۱۳۸۷).

بسیاری از شاهزادگان تیموری به هنر و ساخت مکان‌های هنری و مذهبی توجه داشتند - موسسات مذهبی و بنیادهایی مانند مساجد، مدارس، خانقاه‌ها (عبادتگاه‌ها) و عبادتگاه‌های صوفیه، ذینفعان اصلی برنامه‌های ساخت آنها بودند. نشانه‌های هنری به سبک تیموری مقیاس با ارزشی از ساخت، مناره‌های متعدد، کاشی کاری‌های چند رنگ و گنبد‌های دوتایی بزرگ بود (یلمان، ۲۰۰۰).


سبک هرات در مورد نگاره‌های طبیعت:

یکی از مهمترین شهرهای خراسان در ادوار تاریخی، هرات محسوب می‌گردد. این شهر به دلیل آب و هوای مطلوب و قرارگیری در شرق ایران با دارا بودن کارکرد ارتباطی با کشورهای همسایه در سیر تاریخی از ایران باستان مورد توجه قرار داشته و از این رو مورد توضیح قرار گرفته است. پس از یورش تیمور به هرات و ویرانی‌های ایجاد شده، در اندک زمانی به واسطه برخورداری این شهر از بسترهای جغرافیایی مناسب همچون رود و کوه‌های و زمین‌های اطراف که از حاصلخیزی ممتازی برخوردار بودند، مورد توجه شاهزادگان تیموری همچون شاهرخ قرار گرفت (انور نیر، ۱۳۶۲).

شاهرخ برای نخستین بار در طی تاریخ هرات، این شهر را دارالسلطنه نامید و به آن جایگاه سیاسی ممتازی بخشید از جمله اقدامات این حکمران تیموری که از روحیه‌ای بسیار متفاوت نسبت به تیمور برخوردار بود، پس از گزینش پایتخت، بازسازی محیط طبیعی و عمران شهری هرات بود (حافظ ابرو، ۱۳۸۰).


پس از شاهرخ، هرات به عنوان پایتخت تثبیت گردید، چنانکه سلطان ابوسعید و پس از او سلطان حسین بایقرا آن را دارالسلطنه خود قرار دادند، که با توجه به ویژگی‌های روحی شادخوار این حکمرانان، می‌توان شرایط اقلیمی را یکی از دلایل این گزینش دانست. یکی از موضوعاتی که در پی شرایط اقلیمی ممتاز هرات از سوی حکمرانان تیموری در کانون توجه قرار گرفت، احداث ابنیه و حصارکشی تحت عنوان باغ و یا کاخ‌هایی در نقاطی از هرات بود که از نظر پوشش گیاهی و آب و هوا در بهترین شرایط قرار داشتند. به دنبال اعمال سیاست عمران و آبادانی پایتخت که تیمور در سمرقند برجای نهاده بود و به گواهی گزارش‌های تاریخی یکی از ویژگی‌های آن احداث باغ‌های گوناگون بود (شامی، ۱۳۶۳).

طبیعت در نگارگری ایران، طبیعت واقع گرایانه نیست، بلکه طبیعتی «آیه گرایانه و سرشار از رمز و معنی است» (رهنورد، ۱۳۸۲) و این ناشی از جهان بینی خاص نگارگر ایرانی است. طبیعت از منظر نگارگر ایرانی مفهومی ماورایی و بیانی نمادین دارد. نگارگر منظره‌ای را می‌پردازد که در طبیعت پیرامونی، همتایی برای آن متصور نبوده و اگر هم از اجزا قابل درک طبیعی بهره می‌گیرد برای هر یک مفهومی مینوی و ماورایی در نظر داشت. نگارگر جزئیات منظره را در خدمت مفهوم نگاره به کار می‌گیرد یا به عبارت دیگر، منظره به صورت نمادین برای پیشبرد مفهوم نگاره پرورده شده است. در این نگاره‌ها کلیه عناصر نشان از معنایی درونی دارند و هنرمند با بهره‌یابی از جلوه‌های بصری طبیعت به داستان عمق بیشتری می‌بخشد.



6th International Conference on Language, Literature, History and Civilization

COMSTECH Inter-Islamic Network on Virtual Universities

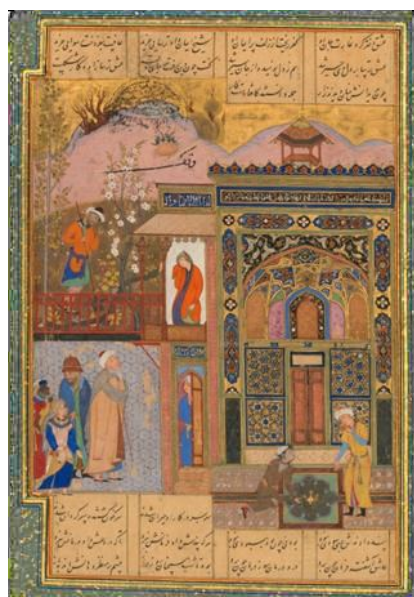


Kocaeli University
CINU


Holding time: September, 2021

Georgia - Tbilisi

همچنین در زمان شاهرج روابط تجاری و فرهنگی با اور دور دوباره بهبود یافت. به این تریب شاهرخ دستور نوشتن یک سفرنامه‌ی مصور را به غیاث الدین داد و اون رو به خاور دور فرستاد. غیاث الدین موقع برگشت از هنرمندان و آثار چین همراه خود آورد که باعث تاثیر هنر چین بر نگارگری عصر تیموری شد. که تاثیراتش را میشه در معراج نامه مشاهده کرد. بعد از شاهرخ، بایسنقر میرزا به مدت ۲۰ سال حاکم هرات و خراسان بود. و همه‌ی هنرمندان رو از تبریز، شیراز و سمرقند به هرات آورد. مکتب هرات بعدها توسط هنرمندانی مثل رضا جهانگیری که به دربار جهانگیرشاه در هند رفته بود. تاثیر زیادی روی نقاشی هندی گذاشت. همچنین مکتب هرات را به عنوان پیش مکتبی برای مکتب‌های تبریز و اصفهان می‌دانند. طبیعت در نگارگری ایرانی صحنه رویدادهاست و جلوه‌های منظره تحت الشعاع روایت و مفهوم نگاره است. نگارگر جزئیات منظره را در خدمت روایت و مفهوم می‌گیرد تا با بهره‌یابی از جلوه‌های بصری طبیعت به داستان عمق بیشتری ببخشد. تاثیرات عمیق طبیعت در نقاشی ایرانی، ناشی از یک امر بینامتن است، بین اسطوره‌هایی که از قدیم در فرهنگ ایران حضور داشته و عرفانی که از اسلام ناشی می‌شود. جهان بینی عرفانی به وسیله‌ی ادبیات به نگارگری ایرانی راه پیدا کرده است و در نگرش هنرمندان توجهی خاص به این وجه از وجود و مراتب هستی پدید آورد. جلوه‌های منجم انسان در نقاشی و خاصه در نگارگری برگرفته از ادبیات و نوع نگاه مکاتب اخلاقی و عرفانی است، در آثار شاعران شهیری چون ستایی عطار و مولوی و.. هدف نهایی از طرح و تحلیل کلیه مباحث عرفانی و ارائه‌ی داستان‌ها و تمثیلات شیرین و موشکافی‌های دقیق روانی و کلامی از ابعاد شخصیت‌های در اوج و حسیض اخلاقی چیزی جز تبیین و توجیه صفات ارزشمند انسان کامل و رهنمونی به مکتب روحانی او منظور نظر نیست (رزمجو، ۱۳۵۷).




تصویر ۱ - دختر ترسا و شیخ صنعان، نطق الطیر، کتابخانه برلین



6th International Conference on Language, Literature, History and Civilization

COMSTech Inter-Islamic Network on Virtual Universities



Holding time: September, 2021

Georgia - Tbilisi

همانگونه که در تصویر ۱- که از نگاره‌های کتاب منطق الطیر در دوره هرات است، مشاهده می‌شود که یک درخت سپیدار پاییزی در مقابل درختی با ساقه‌های پوشیده از غنچه و شکوفه که نشان‌دهنده اوایل بهار است به گونه‌ای که بیانگر حالت عرفانی موجود در داستان باشد نگارگری شده است. در این اثر بیشتر از درخت به عنوان یکی از نمادهای تمثیلی طبیعت استفاده گردیده است.



تصویر ۲- شاهنامه بایسنقر- کتابخانه چستر سیتی

بایسنقر از شاهزادگان تیموری، پسر شاهرخ و نوه امیر تیمور گورکانی بود. او شاهزاده و امیری هنرمند و هنرپرور بود و از سیاست‌مداران، حامیان بزرگ هنر، معماری و فرهنگ و از خوشنویسان طراز اول عهد خود به‌شمار می‌رود. ذوق شعر دوستی بایسنقر متوجه شاهنامه نیز شد. وی دستور داد نسخه‌ای از شاهنامه را برای او استتساخ کردند که به «شاهنامه بایسنقری» شهرت دارد. این کتاب که به سال ۸۲۹ ه‍.ق تحریر یافته است یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های هنر ایرانی و بلکه هنر اسلامی است. همانگونه که در تصویر ۲- مشاهده می‌شود طبیعت در اطراف کاخ به صورت مجموعه‌ای خیالی از آسمان به رنگ لاجوردی و درختانی که شکوفه داده‌اند نگارگری شده است. پرندگان در بالای درختان در حال پرواز بوده و زمین پر از وته‌های گل است که همه این عناصر نشان‌دهنده ذوق و توجه نگارگر به طبیعت می‌باشد. اساتید این مکتب با ویژگی‌های تکنیکی خاص خود، تغییرات برجسته‌ای در سنت نگارگری ایرانی ایجاد کردند که این موضوع، عامل تفاوتی میان نگارگران قبل و بعد از آنان گردید و این دوره را نسبت به سایر ادوار تاریخ ایران متمایز نمود. با این حال، به احتمال فراوان، مهمترین و تأثیرگذارترین هنرمند این عصر و بزرگترین استاد نقاشی ایران و مشهورترین نگارگر جهان اسلام کمالالدین بهزاد با اعمال تغییراتی نوین در آثار خود، پایه‌گذار نوعی خاص از ویژگی‌های بصری در نگارگری مکتب هرات محسوب می‌گردد (هرمان، ۱۹۹۰).

6th International Conference on Language, Literature History and Civilization

COMSTECH Inter-Islamic Network on Virtual Universities

Holding time: September, 2021

Georgia - Tbilisi

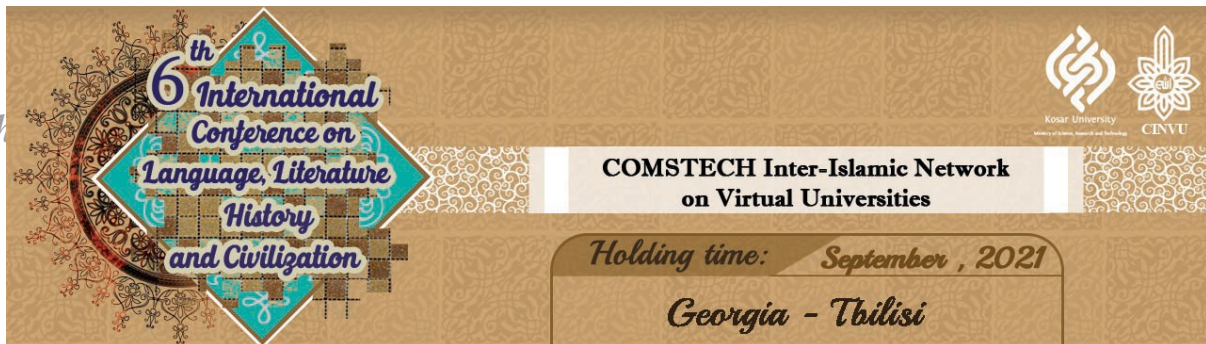
Konar University
CINU

یکی از ویژگی‌های بارز در نگارگری ایرانی و به‌ویژه مکتب هرات را می‌توان سنت منظره‌پردازی مبتنی بر توجه به طبیعت به‌عنوان زمینه اثر بیان داشت. با دقت در آثار بهزاد دریافت می‌شود که جایگاه عناصر طبیعت در نگرش فکری او همچون سایر هنرمندان مکتب-هرات، فارغ از ترسیم نمادهای جغرافیایی، دارای مفهومی مشخص نبود. از اینرو، منظره‌پردازی‌های بهزاد همواره دربردارنده عناصری همچون کوه، رود، چمنزار، درختان و گل‌ها به‌عنوان کلیدواژه‌های نگرش فکری او در طبیعت‌پردازی محسوب می‌گردید. در تصویر-۳ یکی از نگاره‌های خمسه نظامی که به بهزاد نسبت داده شده است نشان داده شده است که عناصر طبیعی کوه و درخت به خوبی نشان دهنده توجه به این هنرمند فارغ از وضعیت جغرافیایی به طبیعت بوده است.



تصویر - ۳ - خمسه نظامی - کمال الدین بهزاد

طبیعت در اکثر نگاره‌های بهزاد حیات او در هرات خلق شده‌اند، از عناصری نسبتاً یکسان درختان چنار و سپیدار، رودهای جاری، چمنزار و گل‌های رنگارنگ منطبق با روایات تاریخی عصر تیموری - دارای نحوه طراحی نسبتاً یکسانی می‌باشند. درختان معمولاً مملو از شکوفه بوده که از فواصل دور به مانند لکه‌هایی سفید به نظر می‌آید. همچنین معمولاً به صورت ثابت و فارغ از جنبش و حرکت دیده می‌شوند که این امر به احتمال فراوان منتج از آب‌وهوای ثابت و وزش بادهای بسیار ملایم و مطبوع در هرات بوده است (شاطری، ۱۳۹۵).



تأثیر چین بر نگارگری دوره هرات در مورد نگاره طبیعت:

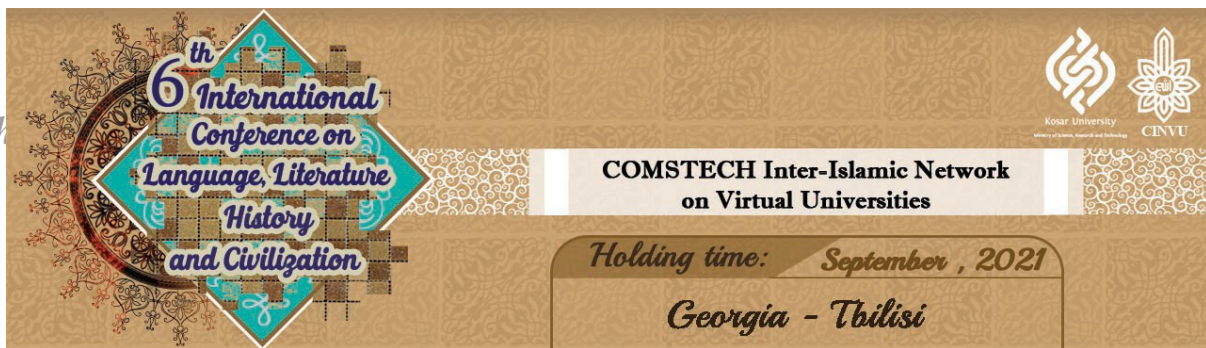
ایران بنا بر موقعیت تمدنی و جغرافیایی خویش همواره با تمدن‌ها و فرهنگ‌های پیرامون خود در ارتباط بوده است. در جریان ارتباطات تجاری، سیاسی و فرهنگی، فرهنگ‌های تصویری نیز، بنا بر شرایط زمان خویش تحت تأثیر بوده‌اند. در قرن نهم قمری صادرات ایران به اقصی نقاط دنیا از جمله چین، انواع پارچه، پشم شتر، تنباکو و سنگ‌های گرانها بود. کلاویخوی اسپانیایی واردات سمرقند (پایتخت تیمور) را از چین اینگونه توصیف می‌کند: «از چین پرنیان بسیار خوب ... و مخصوصاً حریر چینی غیرزربفت... مشک که فقط در آن کشور یافته می‌شود و دیگر کالاهایی که به داشتن آنها مشهور است» (گری، ۱۳۷۹).

در زمان شاه‌رج روابط تجاری و فرهنگی با خاور دور (چین) دوباره بهبود یافت. و شاه‌رخ دستور نوشتن یک سفرنامه‌ی مصور را به غیاث‌الدین داد و او را به خاور دور فرستاد. وی موقع برگشت از هنرمندان و آثار چین همراه خود آورد. که باعث تأثیر هنر چین بر نگارگری عصر تیموری شد. که تأثیراتش در معراج‌نامه مشهود است. نقاشی از طریق تجارت ابریشم نیز به خراسان می‌رسید، که حتا با حضور استادانی چینی در خراسان به طور مستقیم و از طریق تعلیم مدرسه‌ای بر نقاشی مکتب هرات اثرگذار شد (کلاویخو، ۱۳۳۷).

ارتباط با چین در زمان بایسنقر نیز ادامه داشت. با وجود علاقه فراوان شاه‌رخ به هنر، بایسنقر حامی واقعی نگارگری و بنیانگذار کتابخانه بزرگ هرات و فرهنگستان هنر آنجا بود. در فرهنگستان مذکور آثاری چون خمسه نظامی، بوستان و گلستان سعدی، معراج‌نامه، شاهنامه بایسنقری و کلیله و دمنه مصور گردیدند، که کمابیش تأثیر نقاشی چینی در آنها قابل مشاهده است. وجود نوعی پرسپکتیو مفهومی و نه بصری همچنین خشونت و زمختی در طراحی از ویژگی‌های نگاره‌های آغازین مکتب هرات است، که در این موارد با نقاشی دیواری چینی تشابه دارد. به کارگیری رنگ‌های فیروزه‌ای، آبی و سبز نیز مراحل تکوینی مکتب هرات را نشان می‌دهد (گری بازیل، ۱۳۸۵).

آثار هنری به ویژه ظروف پرنقش و نگار چینی (آبی و سفید) از اقلام مهم واردات مغولان (تیموریان) از چین بوده. زیرا بر ظروف دوره تیموری تزیناتی چینی از قبیل اژدها و ماهی دیده می‌شود که با نقوش ابرهای چینی تزین شده‌اند. در این مرکز هنرهای (طراحی، نقاشی، خوش‌نویسی و...) رایج بوده و نیز کتبی هم‌چون خمسه‌ی نظامی، بوستان و گلستان سعدی، معراج‌نامه، شاهنامه بایسنقری و کلیله و دمنه مصور گردید. وجود نوعی ژرف‌نمایی مفهومی، پیکره‌ها بزرگ و ترکیب‌بندی‌ها ساده، خشن و زمختی در طراحی از ویژگی‌های نگاره‌های آغازین مکتب هرات است. که در این موارد با نقاشی دیوار چینی تشابه دارد. به کارگیری رنگ‌های فیروزه‌ای، آبی و سبز نیز مراحل تکوینی مکتب هرات را نشان می‌دهد. (فیتز، ۱۳۶۷).

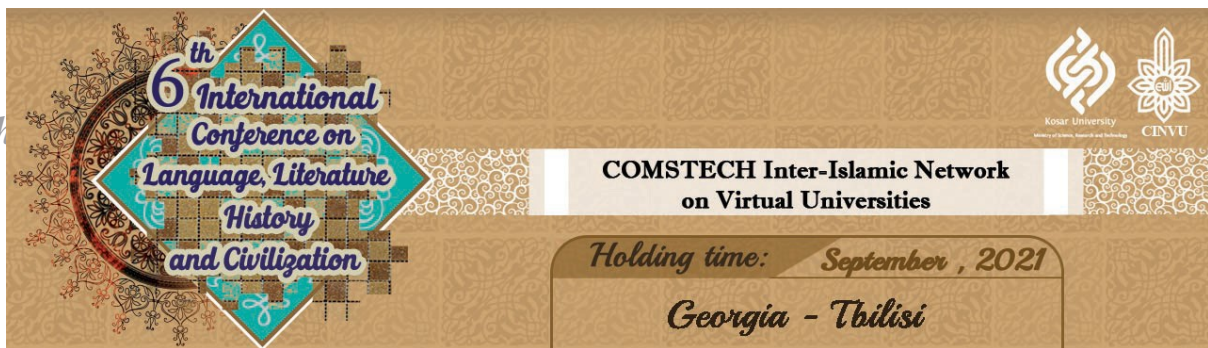
سبک هراتی ویژگی خود را داشت. یکی از ویژگی‌های آن، وجود عناصر شرق دور بود که احتمالاً از مبادله سفیر میان ایران و چین ناشی می‌شد. منتهی این عناصر چینی در دست هنرمند ایرانی رنگ و بوی ایرانی می‌گیرد به طوری که مکتب هرات را رهایی هنر نگارگری ایرانی از بند چینی مآبی دوره تبریز اول می‌داند. از دیگر خصوصیات منحصر به فرد مکتب



هرات می توان به ترکیب بندی های متقارن و غیر متقارن، واقع گرایی در ترسیم گل و گیاه، تنوع رنگ در قلمگیری، غالب بودن رنگ آبی در کل تصویر، ریزه کاری در معماری، مهارت در ترسیم طراحی اندام، تراکم در مرکز صحنه، نمایش چند زمانی، استفاده از ترکیب بندی دایره اشاره کرد.

نتیجه گیری:

هرات از جمله مهمترین و مشهورترین مناطق خراسان در ادوار مختلف و به ویژه در عصر تیموری بود، به نحوی که در کنار عوامل گوناگون سیاسی و اقتصادی، شرایط اقلیمی ممتاز آن -منتج از روایات تاریخی- از جمله دلایل محبوبیت آن محسوب می شد. در اوایل عصر تیموریان به دلیل رفت و آمد هیئت های سیاسی و رونق نسبی جاده ابریشم و رونق روز افزون جاده ادویه، موج جدیدی از آثار و سنت های تصویری چینی وارد ایران شد و مکتب هرات را در آغاز، به تقلید صرف از نقاشی چینی کشاند. اما از دوره جانشینان شاهرخ با کاهش روابط با چین، و همچنین با پدیدار شدن نوابغی چن کمال الدین بهزاد، نگارگری دوره هرات مستقل و ایرانی تر شد. بومی کردن طبیعتنگاری و اضافه کردن عناصر عرفانی به طبیعت در نگاره های این دوره از مهمترین دستاوردهای مکتب هرات به شمار می رود. در دوره هرات در نگاره ها از اجزای قابل درک طبیعی برای بیان کردن مفاهیم استفاده شده است و مناظر به صورت نمادین برای بیان کردن مفهوم نگاره به کار برده شده است.



منابع:

- ۱- آژند، یعقوب. (۱۳۸۷). مکتب نگارگری هرات. تهران: فرهنگستان هنر.
- ۲- انور نیر، محمد. ۱۳۶۲. جغرافیای تاریخی هرات. آریانا.
- ۳- بنووال، محمد افضل. (۱۳۵۹). مکتبهرات. کابل: پوهنتون.
- ۴- بازیل، گری. (۱۳۶۹). نقاشی ایران. ترجمه عربعلی شروه. تهران: عصر جدید.
- ۵- شاطری، مصطفی، ۱۳۹۵، ناتورالیست رئالیسمی در آثار کمال الدین بهزاد، خراسان بزرگ، سال هفتم، شماره ۲۴
- ۵- گری بازیل، ۱۳۸۵. نقاشی ایرانی، ترجمه عربعلی شروه.
- ۶- جرالده، فیتز (۱۳۶۷). تاریخ فرهنگ چین، ترجمه اسماعیل دولتشاهی
- ۷- کلاویخو، روی گنزاله، ۱۳۳۷، سفرنامه کلاویخو ترجمه مسعود رجب نیا
- ۸- گری، بازیل (۱۳۷۹). فلزکاری و سفالگری دوره تیموری، تاریخ ایران دوره تیموریان (کمبریج) ترجمه یعقوب آژند.

Yalman, Suzan. Based on original work by Linda Komaroff. "The Art of the Timurid Period (ca. 1370–1507)." In Heilbrunn Timeline of Art History. New York: The Metropolitan Museum of Art, 2000–.